



کینگزلی ایمیس / ترجمہ ی امید نیک فرجام

عاقبت کار



سیر کینگزلی ایمیس (۱۹۹۵-۱۹۲۲)، رمان‌نویس، شاعر، ناقد، و پدر مارتین ایمیس نویسنده (که از او کتاب استالین مخوف به فارسی ترجمه و منتشر شده است)، به طور کلی در دهه‌ی ۱۹۵۰ در کنار نویسندگانی چون جان آذربورن، جان برین، جان وین، آرنولد و سکر، و آلن سیلیتو در زمره‌ی «جوانان خشمگین» قرار می‌گرفت، اما ایمیس خود پیوندش را با این نویسندگان انکار می‌کرد. او که در جوانی کمونیستی رادیکال بود بعدها برای نقد محافظه‌کارانه‌ی خود از زندگی و آداب معاصر شهرت یافت. ایمیس زمانی گفت که اگر نتوانی به کسی تلنگری بزنی و آزارش بدهی، نوشتن چندان معنایی نخواهد داشت.

«خواهی فهمید که ازدواج راه میان‌بر خوبی به حقیقت است. این هم نه، بلکه راهی برای برگشتن به طرف حقیقت. این را هم در خواهی یافت که سال‌های توهم و خیال‌پردازی، نه آن‌طور که بزرگ‌ترها دوست دارند به ما حقه‌کنند، همان سال‌های نوجوانی، بلکه سال‌های

بلافاصله پس از نوجوانی است، مثلاً میانه‌ی بیست سالگی، می‌توانی اسمش را بگذاری سال‌های بلوغ کاذب، یعنی وقتی که برای اولین بار رسماً و کاملاً گرفتار امور می‌شوی و عقلت را از دست می‌دهی.»

(از رمان جیم خوش‌شانس، ۱۹۵۴)

کینگزلی ایمیس، تنها پسر منشی یک بنگاه بازرگانی، در لندن به دنیا آمد و در مدرسه سیتی آولاندن و کالج سنت‌جانز دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد. او در همین کالج به حزب کمونیست پیوست، دبیر خبرنامه‌ی باشگاه کارگران آکسفورد شد، و گروه‌گر این باشگاه را رهبری کرد. پس از مدتی در نامه‌ای به یکی از دوستانش نوشت: «اغلب اعضای حزب بدون هیچ اطلاعاتی عضو حزب می‌شوند، و بعضی از آن‌ها از هوش و شعور هم بی‌بهره‌اند.» او سپس به خدمت نظام رفت و در سال ۱۹۴۳ با عنوان ستوان دوم از ارتش بیرون آمد. هنگامی که یکانش در بلژیک و آلمان مستقر بود، به اتفاق یکی از افسران همکارش رمانی نوشت درباره‌ی رابطه‌اش با زنی سن‌وسال‌دار. ایمیس پس از به پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی‌اش با عنوان مدرس زبان انگلیسی در کالج سوآنسی (۱۹۴۸-۶۱) و دانشگاه کمبریج (۱۹۶۳-۱۹۶۱) به کار مشغول شد.

ایمیس در سال ۱۹۴۷ نخستین مجموعه‌ی شعرش را با عنوان نوامبر درخشان منتشر کرد، و پس از آن مجموعه‌های تصویر ذهن (۱۹۵۳)، اشعار: پرتوهای فانتزی (۱۹۵۴)، و نمونه‌ها: اشعار ۱۹۴۶-۱۹۵۶